



بخش ششم

پژوهشی در فن پارچه بافی

دوران در ایران قاجاریه



«ملتی که تاریخ
نمی‌خواند و از آن عبرت
نمی‌گیرد، محکوم به
آن است که تاریخ در او
تکرار شود.»

(ژولیوس سزار)

چپاول کردن و منافع روس و انگلیس در ایران تمامی ندارد. اول گرفتن امتیازهای متعدد و استعمارکننده دوم نابود کردن صنعت و هنر در ایران و حال با پیدایش قرن نوزدهم و بوی نفت به مشام آنها با طراحی جدید و ابتکارات نو برای آشوب و بلوا به هم ریختن اوضاع ایران برای حفظ هندوستان و فدا کردن شخصیت ایرانیان با پیدایش منابع سرشار از ثروت از استخراج نفت و فریب دادن ما برای مدت ۱۰۰ سال.

محمدعلی شاه: چند روز پس از توشیح قانون اساسی مظفرالدین شاه در ۲۳ ذی‌قعدة در گذشت و پسرش محمدعلی شاه در همان ماه به تخت نشست. آن‌گاه مجلس متمم قانون اساسی را در ۱۰۷ ماده تهیه و تصویب کرد و در ۲۹ شعبان ۱۳۲۵ (مطابق ۱۴ مهر ۱۲۸۶) به امضای محمدعلی شاه رسید.

نخستین اصلاحات مجلس در راه اصلاحات، تهیه بودجه مملکت و حذف مخارج و مستمری‌های زائد بود. محمدعلی شاه که طبعاً خودخواه و مخالف با مشروطه بود بنای ضدیت با مجلس و آزادیخواهان گذاشته و در سال ۱۳۲۶ به دستگیری نیروی قزاق و صاحب‌منصبان روسی عمارت مجلس را به توپ بست، تعدادی از احرار و پیشوایان مشروطه چون میرزا جهانگیرخان شیرازی، سیدجمال‌الدین اصفهانی و ملک‌المتکلمین را به قتل رساند و بار دیگر استبداد را برقرار ساخت، لیکن مردم زیربار نرفتند. در تبریز قیام کردند، مجاهدین در گیلان به ریاست محمدولی خان سپهسالار و در اصفهان بختیاری‌ها به فرماندهی سردار اسعد بختیاری (علی‌قلی‌خان) با محمدعلی شاه به مخاصمه برخاستند که در نهایت به طرف تهران هجوم آوردند و در سال ۱۳۳۷ نیروی شاه را مغلوب ساختند محمدعلی شاه به سفارت روسیه پناه برد و با این حرکت سلطنت از او خلع شد (کتاب تاریخ فرهنگ ایران از آغاز تا زمان حاضر - دکتر عیسی صدیق صفحه ۳۲۵) این خلاصه‌ای از حرکات و پادشاهی محمدعلی شاه بود. طبق کتاب تاریخ اجتماعی ایران تألیف مرتضی راوندی - جلد دوم صفحه ۵۹۰، محمدعلی میرزا جانشین مظفرالدین شاه علیرغم وعده و قسم به قرآن، به قول خود عمل نکرد و پس از کسب قدرت به مبارزه با آزادی خواهان برخاست. موافقت محمدعلی میرزا قبل از احراز مقام سلطنت با آزادی خواهان بیشتر برای آن بود که حریف زورمند خود شعاع السلطنه و حامی او عین الدوله را از پای درآورد و همین که این دو دشمن را به زانو درآورد، میرزا نیت باطنی خود را آشکار کرد و به کارشکنی و مخالفت با مجلسیان پرداخت. وکلای با شهامت مجلس نیز پرده از روی دسایس او برداشتند. شاه جدید برای برانداختن بنیان آزادی، امین السلطان را بار دگر به ریاست دولت



در این دوران اثری از تولیدات نساجی وجود ندارد. واردات انبوه پارچه و فروش آن به مردم در قالب اقساط و نسیه انجام می‌شد و تولیدکنندگان به مشاغلی مانند دلالی و... روی آورده بودند. دولت انگلیس از این وضع نهایت سوءاستفاده را به عمل آورد.

می‌پرداختند. حیدرخان عموآوغلی پس از فعالیت‌های جالبی که در مشهد و تهران از خود نشان داد پس از آنکه شاه مجلس را به توپ بست، راه باکو پیش گرفت و به دستور حرب سوسیال دمکرات به گیلان آمد و به کمک دیگر آزادی‌خواهان در فتح تهران شرکت جست. در همان ایامی که آزادی‌خواهان رشت تحت نظر نمایندگان حزب سوسیال دمکرات قفقاز به تشکیلات سیاسی و حزبی خود سر و سامان می‌دادند؛ محافل ارتجاعی در مقام مبارزه با آنان برآمده و آقابالاخان معروف به سردار افخم را که مردی سفاک بود به حکومت رشت برگزیدند. سختگیری و کشتار این مرد بی‌رحم، خلق را بر آن داشت که این خار را از سر راه خود بردارند. کمیته آزادی‌خواهان که ریاست آن با معزالسلطان و اداره رهبری سیاسی آن با برادر وی میرزا کریم‌خان بود، سرانجام تصمیم به قتل آقا بالاخان سردار گرفت و روز ۱۶ محرم ۱۳۲۷ برای انجام این نقشه تعیین شد. در این روز حکمران مستبد، آقابالاخان در باغ مدیریه میهمان بود که معزالسلطان با همراهان خود به باغ حمله‌ور شدند و این مرد مستبد را از پای در آوردند. پس از آن آزادی‌خواهان تحت نظر حسین‌خان کسمائی، رشت را تصرف کردند. به این ترتیب گیلان از حیظه نفوذ محمدعلی شاه خارج شد. در همین ایام روسای بختیاری در اصفهان با آزادی‌خواهان همدستان شدند و سردار اسعد از روسای روشن‌بین این ایل، دست اتحاد به صمصام‌السلطنه داده و اصفهان را از اختیار اعمال محمدعلی شاه خارج کردند. در ادامه میلیون از شمال و جنوب راه تهران پیش گرفتند و در جنگی که در قریه بادامک نزدیک کرج اتفاق افتاد، دولتیان شکست خوردند، در ۲۷ جمادی الاخر ۱۳۲۷ تهران به تصرف کامل آزادی‌خواهان درآمد و محمدعلی شاه به حکم اضطرار به سفارت روس پناه برد و از سلطنت کناره گرفت.

باید یادآوری شود که در این دوران اثری از تولیدات نساجی وجود ندارد. واردات انبوه پارچه و فروش آن به

ایران که از جمادی الاخری ۱۳۲۴ تا جمادی الاولی ۱۳۲۶ دوام آورده بود، تعطیل شد!

دوران استبداد صغیر

در این ایام، مردم تهران در اثر مداخله سربازان قدرت هیچ اقدامی نداشتند ولی در ولایات با وجود سخت‌گیری دولت، مردم امکانات بیشتری داشتند. در تبریز ستارخان - سردار ملی - و باقرخان - سالار ملی -، رهبری انقلاب را برعهده داشتند. (ایجاد این چنین وضعیت آشفته در واقع طرحی بود که در لندن به وسیله چپرول، سرآتور هاردینگ و لرد لنزدهون و طراحان دیگر طرح ریزی شد که ایران را به انقلاب و آشوب بکشند تا بتوانند نفت را با فراغت بار و بدون دخالت دولت و مردم استخراج و چپاول نمایند همچنین توجه دولت روسیه را به امور مربوط به ایران مشغول نمایند.

در جریان این امتیازات رحیم‌خان قراچه‌داغی عده زیادی از مردم بیگناه و جمعی از آزادی‌خواهان را به خاک و خون کشید و حتی یک جوان آمریکائی به نام باسکرویل از سر صدق و صفا در راه آزادی ایران جان سپرد. غیر از تبریز در گیلان و رشت نیز مردم شجاعانه علیه عمال استبداد پایداری کردند. محمدولی‌خان تنکابنی که از طرف محمدعلی شاه مامور سرکوبی آزادی‌خواهان تبریز شده بود به تنکابن آمد و علی‌رغم دستور شاه به یاری مشروطه خواهان همت گماشت. در این میان سوسیال دموکرات‌های قفقاز با هدف ایجاد تزلزل در بنیان قدرت دولت تزاری روسیه، با نهضت‌های انقلابی در ایران و عثمانی مساعدت می‌کردند. عمال این حزب با سلاح و تعلیمات لازم در رشت و تبریز به یاری و رهبری آزادی‌خواهان صمیمانه مشغول بودند. اورژنی کیندزه یکی از شخصیت‌های ممتاز بود که در این راه به مردم ایران کمک کرده. این عده روزها در شهر به کار کسب و کار مشغول بودند و شب به فعالیت‌های سیاسی

برگزید. امین السلطان پس از مراجعت از فرنگ درصدد برآمد تا به کمک وکلای معتدل مجلس از روسیه قرض جدیدی بگیرد و وضع آشفته مالی مملکت را سرو سامانی بخشد اما وکلای مجلس مخصوصاً نمایندگان آذربایجان که از مداخلات سیاسی و اقتصادی روس‌ها ضررهای فراوان دیده بودند؛ نمی‌خواستند با گرفتن قرض وسیله جدیدی برای مداخلات سیاسی روسیه در امور ایران فراهم کنند؛ به همین مناسبت نمایندگان مجلس و آزادی‌خواهان خارج از مجلس علیه دسایس شاه و صدراعظم او قیام کردند و در شب ۲۴ رجب ۱۳۲۵ امین السلطان به دست یکی از فدائیان آزادی به قتل رسید. محمدعلی شاه با مشاهده این وضعیت، بیش از پیش به جنگ با آزادی‌خواهان مصمم شد لذا مرکز و محل کار خود را به باغ شاه منتقل کرد، عده ای از آزادی‌خواهان را دستگیر نمود و برای اداره امور کشور به جای امین السلطان، ناصرالملک همدانی را به نخست وزیر برگزید. این مرد که از تحصیل‌کردگان فرنگ بود، علی‌رغم حسن نیتی که داشت نتوانست قدمی در راه اصلاح امور مالی کشور بردارد.

محمدعلی شاه با اینکه در اثر فشار آزادی‌خواهان متمم قانون اساسی را امضاء و در شوال ۱۳۲۵ در حفظ مشروطیت و وفاداری به اصول آزادی به قرآن قسم یاد کرده بود، یک‌باره پشت پا به تعهدات خود زد، نخست وزیر و وزراء را توقیف کرد و با این‌که به نمایندگان مجلس قول داده بود ۶ تن از مترجمینی که تلاش بسیاری در برانداختن اساس مشروطیت داشتند از اطراف خود دور کند، نه تنها به عهد خود وفا نکرد بلکه عده ای از وکلا و ناطقین زبردست را دستگیر و تبعید نمود. وی در ۲۴ جمادی الاول مجلس را به دستگیری لیاخوف روسی به توپ بست که در این واقعه، عده‌ای از نمایندگان مجلس کشته شدند و جمعی دیگر دستگیر و عده ای متواری گردیدند. به این ترتیب مشروطه اول



تعدادی از کارگاه‌ها به امید احیا و تولید مجدد در انتظار یک حرکت بودند و چون با حرفه دیگری آشنا نبودند وارد سایر مشاغل نشده بودند. با ورود نخ‌های مرسریزه از اروپا و روسیه به ایران ابتکارات تولید را به کار گرفتند و شروع به بافتن پارچه‌های مرسریزه نمودند.

مردم در قالب اقساط و نسیه انجام می‌شد و تولیدکنندگان به مشاغلی مانند دلالی و... روی آورده بودند. دولت انگلیس از این وضع نهایت سوءاستفاده را به عمل آورد و چون به هدف خود یعنی انهدام نساجی ایران رسیده بود، تصمیم داشت نفت این کشور را هم به یغما ببرد.

ورود آمدن نخ‌های مرسریزه و حیات مجدد کارگاه بافندگی دستی

تعدادی از کارگاه‌ها به امید احیا و تولید مجدد در انتظار یک حرکت بودند و چون با حرفه دیگری آشنا نبودند وارد سایر مشاغل نشده بودند. با ورود نخ‌های مرسریزه از اروپا و روسیه به ایران ابتکارات تولید را به کار گرفتند و شروع به بافتن پارچه‌های مرسریزه نمودند و با استفاده از این نوع نخ، پارچه‌های زیبایی شبیه پارچه‌های فاستونی را با رنگ‌آمیزی‌های بسیار زیبا ارائه نمودند. همچنین پارچه‌های راه‌راه، پارچه‌های چهارخانه، پارچه‌هایی شبیه گاباردین و فاستونی را بانام (کیش) به بازار عرضه نمودند و به این ترتیب تعداد زیادی کارگاه و کارگر مشغول کار شدند و ثروتمندان و میهن پرستان به فکر ایجاد کارخانجات نساجی افتادند.

در سال ۱۸۴۴ یکی از متخصصین خارجی، در آزمایشی که برای جدا کردن هیدرات‌های مختلف در نظر گرفته بود متوجه شد که قدرت سود به ۵۳ تقلیل پیدا نمود و

پارچه متراکم و کوتاه گردید. در نتیجه لکه‌های سود، نقاطی شفاف را روی پارچه ایجاد کرده‌است که این آزمایش موجب ثبات‌رسانیدن اثر هیدرات‌سدیم، هیدرات پتاسیم اسید سولفوریک و کلر و روی بر روی الیاف سلولزی به عنوان مواد تورم دهنده پایدار شد. در سال ۱۸۸۹ یکی دیگر از محققین، نخ پنبه‌ای را به وسیله محلول سود غلیظ عمل نموده و قبل از عمل شست و شوی آن را دوباره کشیده و به حالت طول اولیه برگردانیده که در نتیجه موجب افزایش شفافیت نخ شد. به این ترتیب روشی برای ازدیاد شفافیت کالای سلولزی به نام مرسریزاسیون عرضه گردید. این روش فقط برای الیاف پنبه‌ای قابل استفاده بوده و موجب شفافیت دائمی در الیاف پنبه‌ای می‌شد که در مراحل شست و شو و رنگ‌رزی از بین نمی‌رفت. یکی از مزایای مرسریزه کردن الیاف پنبه‌ای افزایش قدرت حذف آنها در مقابل رطوبت و رنگ می‌باشد که با این نوع نخ تحولی در بافت پارچه در ایران ایجاد شد.

به تدریج مردم به فکر ایجاد کار و اشتغال برآمدند چون با پیدایش آشوب و انقلاب مشروطه کارگران و پیشه وران بیکار هر روز دنبال بهانه ای بودند تا در خیابان‌ها ریخته و سر و صدا ایجاد کنند و فقر و فلاکت مردم دست به دست هم داده و این موضوع را تشدید می‌نمود لذا دولت و سرمایه داران برای حفظ خود به فکر تولیدات کارخانه افتادند.

ادوارد براون در کتاب انقلاب ایران از دو مدرک جالب مربوط به دوران انقلاب ایران یاد می‌کند که به نظر او محصول فکری یکی از انجمن‌هاست. این دو سند به همراه یک روزنامه مورخ ۲۳ آبانیه ۱۹۰۸ به دست او رسیده بود. نامه و مدرک نخستین، اختطاری است به شاه و مدرک دوم نموداری است از ولخرجی‌ها و اعمال سفیهانه محمدعلی شاه. ترجمه نخستین نامه به این شرح است: **اختطاری:** گویا اعلیحضرت شاهنشاهی فراموش کرده‌اند

که رسیدن به تاج و تخت سلطنت جز با یک تلگرام دو خطی و احضارش به پایتخت پایه‌ای دیگری نداشته است. شاه از بطن مادر با دیهیم شاهی و خاتم ملک زائیده نشده و قباله سلطنت مطلقه را از آسمان در دست نداشته است. شاید اگر لحظه‌ای فکر می‌کرد این پادشاهی تنها بستگی به پذیرش یا روگردانی ملت دارد و کسانی که او را بدین جایگاه بلند گزیده و به شاهی شناخته‌اند؛ به برداشتن و گزیدن دیگری به جایش نیز توانا هستند. هرگز از راه راست و عدالت و رعایت مقتضیات سلطنت مشروطه انحراف نمی‌ورزید. ما نیکخواهان این ملت و سلطنت، نگرهبان مقام دین و دولت و پشتیبانان تاج و تخت پادشاهی با کمال احترام این آخرین انجام حجت را تقدیم و به این وسیله از خودمان و ملت و تشکیلاتمان هرگونه مسئولیت مرا سلب می‌نمائیم تا از این مبادا به ناجوانمردی از طرف سایر ملل متهم و ملامت شویم. از وزیر مختاران و سفرا دولت‌ها که در پایتخت حضور دارند و حوادث اتفاقیه را در این شهر دیده اند انتظار داریم که تظلمات وارده و اوضاع رقت‌بار این ملت نجیب را گواهی دهند که چگونه دارد کارد به استخوان می‌رسد. خدای متعال منتقم حقیقی است.

مدرک دوم، سندی است که به وسیله پرستار اسبق، محمدعلی شاه، شاپشال خان یهودی روسی معروف به یکی از دوستان خود درباره جواهر و سایر اوراق بهادار که برای تدارک پول در بانک روس و رسم گروگان گذاشته شده بود که به تبهکاران واقعه یاد شده مزد و پاداش داده شود؛ نوشته شده است.

فهرست اموالی که به رسم گروگان به وسیله شاپشال از طرف اعلیحضرت به بانک استقراضی روس در تهران برده شده تا برابر آن شصت هزار تومان وام بگیرند که به مصرف پذیرایی و هزینه‌های دیگری از قبیل مزد اوباش و ... برای ویرانی بنیان مجلس مقدس شورای ملی برسانند، به شرح زیر است.

- ۱- نشان و تمثال شخص اعلی حضرت به ارزش ۵ هزار تومان
- ۲- زر و زیور ملکه ایران به ارزش ۲۰ هزار تومان
- ۳- ۳ تسبیح مروارید به ارزش ۲۰ هزار تومان
- ۴- چند قطعه جواهر دیگر به ارزش ۱۵ هزار تومان

شکل‌گیری افکار جدید

ادوارد براون پیرامون افکار و نظریات جدید می‌نویسد: "یک دسته از مردم جمهوری طلب هستند که عنوان "فدائیان" به خود داده اند. این افراد هنگام شب جلسه دارند و به قرآن سوگند یاد کرده‌اند که تا زمان حیات بر ضد استبداد بجنگند. یک تعمیر کار بخاری برای تعمیر بخاری به خانه وزیر آمد. در موقع ورود به وزیر سلام





**به تدریج مردم به فکر ایجاد کار و اشتغال
برآمدند چون با پیدایش آشوب و انقلاب
مشروطه کارگران و پیشه وران بیکار هر روز
دنبال بهانه ای بودند تا در خیابانها ریخته
و سر و صدا ایجاد کنند و فقر و فلاکت مردم
دست به دست هم داده و این موضوع را تشدید
می نمود لذا دولت و سرمایه داران برای حفظ
خود به فکر تولیدات کارخانه افتادند.**

۷- همین که کلیه تدارکات مقدماتی دیده شد در روز معین، مجلس و ساختمانهای هم‌جوار از نیروهای بریگاد و دو توپخانه قزاق محاصره و بمباران آغاز شود و هر که ایستادگی نمود، کشته شود.

۸- پس از بمباران مجلس، خانه‌های مشروطه‌خواهان و نمایندگان سرشناس به سربازان و اوباش واگذار شود تا تاراج و غارت شود.

۹- بازداشت یا تبعید زعمای نمایندگان و هواداران مشروطه بدون تأخیر انجام شود.

۱۰- برای آرامش خیال مردم، وعده گشایش مجدد مجلس داده شود.

کلنل لیاخوف از بیم آنکه مبدا سربازان ایرانی یا فرماندهان ایرانی در موقع بمباران مجلس از این کار سرباز زنده اصرار ورزید که فرماندهی قوا با شخص او باشد. پس از به توپ بستن مجلس از طرف محمدعلی شاه استبداد صغیر از ۲۳ جمادی الاولی ۱۳۲۶ تا ۲۷ جمادی الثانی ۱۳۲۷ یعنی تا تاریخ فتح تهران توسط مجاهدین به طول انجامید.

در این فاصله مرحوم حاج علی‌قلی خان سردار اسعد از پاریس به اصفهان آمد و پس از مذاکره با سایر روسای ایل بختیار و جلب موافقت آنان با همکاری صمصام السلطنه، به طرف تهران حرکت کرد و ضمن نامه‌ای که توسط وزیر مختار اتریش (شیخ السفرا) خطاب به عموم نمایندگان خارجی مقیم تهران فرستادند اعلام کردند که "در ۱۴ جمادی الثانی ۱۳۲۴ نظر به استدعای مردم، مظفرالدین شاه با تشکیل مجلس و استقرار رژیم مشروطیت موافقت کرد و دستخط خود را به امضای ولیعهد نیز رسانید، ولی پارلمان جوان به تحریک مفسدین از کار بازماند؛ چون شاه قول داده است که پس از ۳ ماه با تجدید انتخابات موافق نماید ولی به وعده خود وفا نکرده است و از طرفی مفسدین از اعلام حقایق به شاه خودداری می‌نمایند. ما به نام مردم، از نمایندگان بی‌غرض دولت‌های معظمه خواهش می‌نمائیم مقرر فرمایند هیچ قوه نظامی (بیگانه) وارد در خاک ایران

صدراعظم پاسخ داد "به حق همان قرآن قسم که گمان نمی‌کردم زنده و سالم به این مجلس برسم! من در هرگونه همراهی با شما آمادهم." سپس چندین پاکت از جیب خود بیرون آورد و گفت: اینها تمام رقعہ قتل من است. چگونه ممکن است خیانتی کنم؟ آن‌هم که دیدید یا محرک داشتیم. یا نفهمیدم یا طمع نگذاشت." در این زمان مردم یک‌صدا فریاد "زنده باد ملت ایران" را سردادند (تاریخ اجتماعی ایران - تألیف مرتضی راوندی - صفحه ۵۹۴) این فریاد ملت رنج‌دیده، ملت فقیرشده، مردم زحمت‌کش، مردم عاصی و مردمی که بر اثر نابودی صنعت و هنر برای مجالی برای امرار معاش خود و خانواده‌شان نداشتند.

همکاری روسیه تزاری با محمدعلی شاه در تخریب بنای آزادی

به نقل از تاریخ اجتماعی ایران - تألیف مرتضی راوندی (صفحه ۵۹۵) به طوری که از گزارش محرمانه شماره ۶۰ ستاد کل ارتش حوزه قفقاز برمی‌آید، پس از آنکه روسیه، روند نهضت آزادی‌خواهی مردم را در حال توسعه و گسترش دیدند تصمیم گرفتند که با تهدید و تطمیع، اساس آزادی‌خواهی را در هم ریزند. در این شرایط محمدعلی شاه که از مردم بریده بود به پیشنهادهای روسیه تن داد و تصمیمات زیر را گرفتند:

۱- با کمک مالی سفارت و از هزینه شاه به نمایندگان مهم مجلس و وزیران رشوه داده شود که در آخرین جلسات سیاستی را که به آنان آموزش داده خواهد شد، به عهده گیرند.

۲- تا دم واپسین که تدارکات لازم دیده نشده رفتار دوستانه خود را با مجلس حفظ و موازنه را نگه دارند و چنین وانمود نمایند که شاه با رعایت امتیازات متقابل حاضر به سازش با مجلس است.

۳- با رشوه و تمهیدات دیگر، بکوشند که تفنگداران از مجلس، مدرسه سپهسالار و سایر عمارت‌های انجمن پیرامون مجلس بیرون شوند.

۴- اقدامی برای خریدن اکثریت سرکردگان انجمن های پایتخت انجام شود که در روز موعود امضای خود را نگاه داشته و نگذارند بیرون روند.

۵- روز پیش یا همان روز واقعه به موقع مقتضی، افرادی با تبدیل لباس و قیافه ناشناس به مجلس و مسجد سپهسالار بروند با شلیک هوایی بهانه بمباران مجلس را به دست بدهند و کسانی را که مبادرت به دفاع کنند، به قتل برسانند.

۶- عملی‌ترین تدابیر اتخاذ شود که مبدا یک‌تن در سفارتخانه‌های اروپایی (به ویژه سفارت انگلیس) پناهنده شود.



کرد. خدمتکار وزیر به او گفت که باید تعظیم کند. او جواب داد مگر نمی‌دانی که ما مشروطه داریم و در مشروطه دیگر تعظیم جایی ندارد؟ در دوران مشروطه، یک‌نوع استقلال و آزادی عجیبی در مردم مشاهده می‌شد. یکی از قابل توجه‌ترین اثرات نهضت مشروطیت، سرعت توسعه جراید بود که در ۱۹۰۷ (۱۳۲۵ ه.ق) به ۹۰ جریده رسیده بود. تعدادی از این جراید به ویژه صور اسرافیل، حبل‌المتین و مساوات به اعتبار بسیار چشمگیری رسیده بودند و ضرب المثل‌های قصار، پرمعنا، شیرین و بسیار موثری به جامعه تقدیم می‌نمودند.

مجلس شورا در دوره اول با همه توافقی که داشت یک مجلس ملی و مظهر تمایلات عمومی بود. یکی از عملیات جالب نخستین دوره مجلس، استنکاف نمایندگان از تایید قرارداد وامی بود که دولت می‌خواست با موافقت انگلستان و روسیه با شاه (بدون اینکه شرایط آن را اعلام کنند) به تصویب مجلس برساند. به عقیده براون با این منش مجلس از همان آغاز کار نشان داد که ابزار دست دربار نمی‌شود بلکه شایستگی دارد که با استقلال وطن خواهانه کار کند.

اعتراض یک تماشاچی در مجلس شورا: گزارش روز یکشنبه ۲۱ مهر ۱۳۲۵ حاکی از آن است که صدراعظم و نایب السلطنه پس از ورود به مجلس، کنار آقا سیدمحمد می‌نشینند و صدراعظم، تشکیل مجلس را به نمایندگان تبریک می‌گوید، یکی از تماشاچیان در حالی که قرآن در دست داشت، خطاب به صدراعظم فریاد زد: "تو ایران را به باد داده‌ای و ما هم قسم شده بودیم که تو را به قتل برسانیم اما از کار گذشته شما گذشتیم اما اگر بشنویم و یا بفهمیم، یک کلام یا یک قدم کار بی‌جا و حرف بی‌جا باعث تخریب مجلس شود، قطعاً تو را خواهیم کشت و ریشه تو را خواهیم کند. حال خود دانی."



زمانی که میان مجلس اول و محمدعلی میرزا، کشمکش و اختلاف بروز کرده بود؛ روسیه و انگلیس از بیم نفوذ روز افزون آلمان در خاورمیانه تصمیم گرفتند به اختلافات دیرینه خود پایان دهند و ایران را میان خود تقسیم کنند و در این راه قرار داده و موافقت نامه‌هایی تنظیم کردند.



نشود و براساس مسلک بی طرفانه، هیچ گونه مداخله‌ای را جایز ندانند تا ملت ایران برای استرداد حقوق برحق خود و استقلال مملکت اقداماتی انجام دهد. علی‌قلی خان سردار اسعد، نجف‌قلی صمصام السلطنه." در همان روزهایی که محمدعلی شاه به دولت مستبد روسیه تزاری متکی بود و دائماً در کار مشروطه خواهان اخلاص می‌کرد؛ عده‌ای از آزادیخواهان وابسته به حزب عامیون برای حفظ آزادی ناقصی که به دست آمده بود به تشکیل کمیته انقلاب پرداختند. اعضای این کمیته را مردانی چون ملک المتکلمین، سیدجمال الدین واعظ، صوراسرافیل، مساوات، تقی زاده و عده‌ای دیگر تشکیل می‌دادند.

و پست که اسباب صدمه و خانه خرابی مردم بودند، وثوق پیدا می‌کرد، تمام مشورت خود را در کارها با آن اشخاص می‌نمود. جز به پول به هیچ چیز دیگر علاقه نداشت، مستبد بود. اعتقاد زیادی به رمال، فالگیر و جادوگر داشت. با علماء موافق خود همان عقیده را داشت که با علماء مخالف خود! مرتب از او شنیده بودند که در غیاب حاج شیخ فضل‌الهی نوری هم بد می‌گفت. زمانی که میان مجلس اول و محمدعلی میرزا، کشمکش و اختلاف بروز کرده بود؛ روسیه و انگلیس از بیم نفوذ روز افزون آلمان در خاورمیانه تصمیم گرفتند به اختلافات دیرینه خود پایان دهند و ایران را میان خود تقسیم کنند و در این راه قرار داده و موافقت نامه‌هایی تنظیم کردند که به قرار داد ۱۹۰۷ و ۱۹۱۰ معروف است اما این اسناد و قراردادهای یک‌جانبه که بدون اطلاع ملت ایران تنظیم شده بود با مخالفت و مبارزه شدید آزادیخواهان روبرو شد و با وقوع انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ روسیه، کان لم یکن اعلام شد.

ابراهیم تبریزی نماینده مجلس، سلمان میرزا اسکندری، میرزا سلمان خان میکده، اسدالله خان کردستانی، ارباب کیخسرو، شریف‌الدوله، بنی‌آدم، شریف‌زاده تبریزی، سیدمحمد رضا مدیر روزنامه مساوات، میرزا محمدنجات، بامداد، سیدکمره‌ای، علی‌اکبر دهخدا دانشمند معروف و... جلسات کمیته هر نیمه شب در خانه حکیم الملک تشکیل می‌شد و قبل از طلوع آفتاب متفرق می‌شدند."

خلق و خوی محمدعلی میرزا (شاه مخلوع)

ناظم الاسلام در پیرامون خلق و خوی و صفات محمدعلی میرزا چنین می‌نویسد "محمدعلی میرزا به هیچ‌وجه رعایت زیر دست را نداشت و چنان تصور می‌کرد که خدا این مخلوق را برای راحت و وجود او خلق کرده‌است. به هر کسی احتیاج داشت و یا نیازی پیدا می‌کرد با او به کمال سلامت، ملایمت و مهربانی رفتاری می‌نمود اما بعد از رفع احتیاج، گویی اصلاً او را هیچ نمی‌شناسد! همیشه به اشخاص نانجیب

آقای علی آذری درباره اعضای فرقه اجتماع‌یون عامیون تهران می‌نویسد "طبق تحقیقات انجام شده، موسسین حزب اجتماع‌یون عامیون تهران که بستگی به حزب اجتماع‌یون عامیون تبریز و باکو و تفلیس داشتند (به شرح زیر) در حدود ۴۰ نفر بودند که به ذکر اسامی چندتن از آنها اکتفا می‌شود: سیدجمال الدین واعظ اصفهانی، ملک المتکلمین میرزا جهانگیرخان صوراسرافیل، یحیی میرزا اس کندری، میرزا قاسم خان صوراسرافیل، حیدرخان عمو اوغلی، ضیاء السلطان، صادق طاهباز، میرزا محمدصادق طباطبایی، میرزا محمدعلی تربیت، حاجی خان خیاط، میرزا آقاخان فریار مدیر روزنامه عصر انقلاب، آقا شیخ

حکومت مردمی: استقرار و حکومت ملی، بستگی تمام به رشد فکری و اخلاقی مردم دارد. اگر مردم تکلیف و وظایف خود را نسبت به حکومت و مملکت بدانند و حاضر باشند دور هم جمع و گردآیند و از منافع شخصی چشم‌پوشند و با رعایت مصالح عمومی اشخاصی را که شایسته هستند به وکالت مجلس شوری و سنا و انجمن‌های ایالات و ولایات و شهرها برگزینند و مراقب باشند که نمایندگان مذکور به بهترین وجه وظایف خود را انجام نمایند. یعنی وزیران لایق و درستکار را در رأس امور قرار دهند و بر کار آنان نظارت کنند؛ آنگاه حکومت ملی مصداق خارجی پیدا می‌کند در غیر این صورت آشفتنگی، بی‌نظمی و بی‌ثباتی در امور پدیدار خواهد شد و کشور نابود می‌شود.





تنها اقدامی که مجلس اول در راه نشر افکار و پیشرفت معارف نمود، وضع قانون مطبوعات بود که در محرم سال ۱۳۲۶ به تصویب رسید و آزادی جراید را تأمین کرد؛ در نتیجه بر تعداد روزنامه ها در تهران و ولایات افزوده شد و بیشتر آنها به بیداری مردم و ترویج اشعار جدید با مضامین تازه پیدایش سبک نوین در روزنامه نگاری کمک بزرگ کردند.

فرهنگ و مجلس دوم و اقدامات جدید و لازم برای مردم

پس از خلع محمدعلی شاه از سلطنت در سال ۱۳۲۷ و افتتاح مجلس دوم، چند مدرسه ملی دیگر از طرف معارف خواهان در تهران و ولایت تأسیس شد. در ۱۳۲۸ مجلس قانون اداری وزارت فرهنگ را تصویب و سازمان آن وزارتخانه و رئوس و وظایف آنرا معین نمودند در سال ۱۳۲۹ چند قدم مهم به پیشنهاد دولت و تصویب مجلس به توسعه معارف برداشته شد. اولاً قانون اساسی فرهنگ تصویب گردید و تمام دستگاه تعلیم و تربیت اعم از دولتی و ملی در تحت نظارت وزارت فرهنگ درآمد و مقرر شد تعلیمات ابتدائی برای همگی اطفال از ۷ سالگی اجباری باشد. ثانیاً قانونی برای اعزام ۳۰ نفر محصل به اروپا به تصویب رسید که ۱۵ نفر در رشته آموزش و پرورش و بقیه در رشته نظام و کشاورزی تحصیل کنند. وزارت فرهنگ با ابراهیم حکیمی بود و داوطلبان با امتحان و مسابقه و فرانسه و انگلستان اعزام شدند. همچنین نخستین قانون برای تأسیس دبستان (۹ باب) به خرج دولت در تهران، تبریز، مشهد، شیراز و کرمان به تصویب رسید به این ترتیب که هر کدام ۶ کلاس داشته باشند.

بصیر انتخاب می‌شد و اختیارش این بود که از پادشاه درخواست وضع قانون کند و بتدریج که مردم آشنا به حقوق و وظایف خویش در حکومت شدند اختیارات مجلس و تعداد انتخاب کنندگان در طی چند قرن فزونی یافت. همان‌طور در ژاپن، ابتدا مدارس جدید تأسیس و سپس تعلیمات اجباری شد و مردم برای حکومت تربیت شدند. وقتی مردم برای شرکت در حکومت و انجام دادن وظایف مدنی آماده شدند در سال ۱۳۰۷ قمری فرمان مشروطیت صادر و حکومت ملی برقرار شد. به دلایلی که شرح آن، عنوان شد، در ایجاد هرج و مرج در کشور عمال سابق استبداد و ماموران دولت‌های روسیه و انگلیس موثر بودند.

فرهنگ در آغاز حکومت ملی

چون از سال ۱۳۲۴ تا ۱۳۲۷ میان آزادی‌خواهان و مشروطه‌طلبان و محمدعلی شاه و اعوانش کشمکش بود کسی در فکر فرهنگ و آموزش و پرورش نبود. اثر مهم اعلام مشروطه و تأسیس مجلس این شد که از بنیان مدارس جدید و پیش‌قدمان معارف تازه که تا آن زمان مورد تحقیر و اهانت و متعصبین و مترجمین بودند تجلیل و قدردانی به عمل آمد و موفقیت ملیون را در تأسیس حکومت ملی تا حدی مرهون فداکاری و زحمات آنان دانستند و عده‌ای از آنان را به نمایندگی مجلس و تصدی امور انتخاب کردند.

تنها اقدامی که مجلس اول در راه نشر افکار و پیشرفت معارف نمود، وضع قانون مطبوعات بود که در محرم سال ۱۳۲۶ به تصویب رسید و آزادی جراید را تأمین کرد؛ در نتیجه بر تعداد روزنامه‌ها در تهران و ولایات افزوده شد و بیشتر آنها به بیداری مردم و ترویج اشعار جدید با مضامین تازه پیدایش سبک نوین در روزنامه نگاری کمک بزرگ کردند.

در سال ۱۳۲۴ که فرمان مشروطیت صادر و مسئولیت امور مملکت به عهده ملت واگذار شد، عده‌ای آماده انجام چنین امری نبودند زیرا در نتیجه چند هزار سال حکومت فردی و استبدادی، کسی آشنا به اصول حکومت ملی و تشریح مساعی با یکدیگر و همکاری نبود و اصولاً جمعیت‌های حزبی وجود نداشت. آمار وزارت فرهنگ در سال ۱۳۲۹ (۵ سال پس از تأسیس مشروطه) نشان می‌دهد که در آن سال در تهران ۱۲۳ دبستان با ۱۰۵۳۱ شاگرد وجود داشت. اگر فرض کنیم در ولایات نیز ۱۰ هزار نفر در مدارس جدید مشغول تحصیل بوده‌اند. از یکصد نفر کودک بین سن ۱۳ و ۷ سال فقط ۲ نفر به مدرسه می‌رفتند.

با این وصف چگونه ممکن بود که حکومت ملی واقعی به‌وجود آید و دوام پیدا کند؟ البته افکار آزادی‌خواهی بین عده محدودی منتشر شده بود و مردم هم از ظلم مامورین ظل السلطان و امثالهم دولتی به‌ستوه آمده بودند و خواهان ایجاد عدالت بودند. دولت روسیه به حمایت پادشاه مستبد و دولت انگلیس ظاهراً به کمک عدالت‌خواهان اقدام کردند. در اثر کشمکشی که به وقوع پیوست و با توجه به ضعف و رنجوری مظفرالدین‌شاه، حکومت به دست مردم سپرده شد اما چون مردم برای حکومت ملی تربیت نشده بودند.

حکومت ملی به معنی واقعی به‌وجود نیامد، به‌ویژه که قانون اساسی مطابق مقتضیات مملکت تدوین نشد و صرفاً براساس قانون اساسی بلژیک، طرحی تهیه و تصویب شد! در این قانون، نوع کامل مشروطه برای یک ملت کاملاً رشد یافته و واقف به حقوق و وظایف خودش با اختیارات نامحدود و برای نمایندگان مجلس منظور شده بود در صورتی که مسأله حکومت ملی امری تدریجی است چنان‌که در انگلیس، مجلس ابتدا توسط خاندان‌های محدود و اشخاص فهمیده و

